



There are two history teachers and the goals of studying the history of arbitration, where is his place

Msooud Bahramian¹, Kouros Salehi²

1. Faculty member, Department of History, University of Birjand, Birjand, Iran. (Corresponding author). m.bahramian@birjand.ac.ir
2. Expert in charge of international affairs, International University of Islamic Religions, Iran. Kouros.salehi.68@gmail.com

Abstract

Teaching history today is an integral part of educational systems around the world. The necessity of this becomes more apparent when it is understood that history is a field that shapes identity. The creation of this identity is not achieved by the nature of history itself, but by the individuals responsible for and involved in teaching history, namely the teachers and professors of this field. History teachers play an important and constructive role in building a dynamic culture and transferring it to the younger generation. This research adopts a descriptive and analytical approach, utilizing library and field research methods based on the lived experiences and studies of researchers. The study aims to answer the question of how the perspectives of history teachers and educators in the educational system of the country, as well as the objectives of studying this field, impact its position in universities. After examining historical data and the personal experiences of researchers in the field of history teaching, the findings of the present research indicate that any changes and transformations in the history education system at the national level, and before revising the curriculum content, educational environment, and changing the attitudes of families and society, are initially contingent upon changing the perspectives and attitudes of history teachers and professors. And as long as the philosophy of studying history remains unresolved for them, any solutions for systematizing the teaching of history or making changes to it are futile.

Keywords: teaching history, philosophy of studying history, national identity, historical objectivity, learning from history.

Received:2024/9/24; **Revised:**2024/10/23; **Accepted:** 2024/12/11; **Published Online:** 2024/12/21

Cite this article: Bahramian, M & Salehi. K. (2025). There are two history teachers and the goals of studying the history of arbitration, where is his place. *Interdisciplinary Studies in Education*, 3(4), p.55-76.
<https://doi.org/10.22034/ISE.2025.17188.1120>



اهمیت بینش مدرسان تاریخ و اهداف مطالعه تاریخ در تحکیم جایگاه این رشته

مسعود بهرامیان^۱، کوروش صالحی^۲

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول).

m.bahramian@birjand.ac.ir

۲. کارشناس مسئول امور بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، ایران. kourosalehi.68@gmail.com

چکیده

آموزش تاریخ امروزه جزء لاینفک نظام‌های آموزشی در سرتاسر جهان است. ضرورت این امر زمانی بیشتر احساس می‌شود که دانسته شود تاریخ یک رشته هویت‌ساز است. ایجاد این هویت نه توسط ماهیت تاریخ، بلکه توسط افراد مسئول و مرتبط با تدریس تاریخ که همان دبیران و استادان این رشته‌اند محقق می‌گردد و دبیران تاریخ در ساخت فرهنگی پویا و انتقال آن به نسل جوان نقش مهم و سازنده‌ای دارند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی و با روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای-میدانی در زمینه تجربه زیسته و مطالعاتی پژوهشگران، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که بینش دبیران و مدرسان تاریخ در ساختار نظام آموزشی کشور و همچنین اهداف مطالعه این رشته در تحکیم جایگاه آن در دانشگاه‌ها چه تأثیری دارد؟ بعد از بررسی داده‌های تاریخی و تجارب شخصی پژوهشگران در زمینه تدریس تاریخ، یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد هرگونه تغییر و تحول در سیستم آموزشی تاریخ در سطح کشور و قبل از بازنگری در محتوای درسی، محیط آموزشی، تغییر نگرش خانواده و جامعه، در ابتدا منوط به تغییر بینش و نگرش دبیران و استادان تاریخ است و تا زمانی که فلسفه مطالعه تاریخ برای آنان حل نشده باشد، هرگونه راهکاری برای روشمند کردن تدریس تاریخ یا تغییر در آن بیهوده است.

واژگان کلیدی: تدریس تاریخ، فلسفه مطالعه تاریخ، هویت ملی، عینیت تاریخی، عبرت‌آموزی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۳؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۸/۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۱
استناد به این مقاله: بهرامیان، مسعود و صالحی، کوروش. (۱۴۰۳). اهمیت بینش مدرسان تاریخ و اهداف مطالعه تاریخ در تحکیم جایگاه این رشته. مطالعات بین‌رشته‌ای در آموزش. ۳(۴)، ص ۵۵-۷۶.

<https://doi.org/10.22034/ISE.2025.17188.1120>

مقدمه

تعریف کردن تاریخ کاری بس دشوارتر از کار مهندسی یا پزشکی است. تاریخ مفهومی انتزاعی است که حداقل دو معنا از آن مشتق می‌شود؛ گاه ناظر به وقایع گذشته و گاه معطوف به مطالعه و بررسی وقایع است (استنفورد، ۱۳۸۲: ۴۴). تاریخ علم شناخت و تفسیر گذشته انسان‌ها در پرتو حال است که براساس روش‌ها، گزینش‌ها و تفسیرهای مورخان به دست می‌آید (ملایی توانی، ۱۳۹۱: ۳۱). در تعریفی دیگر، تاریخ علم شناخت و تحلیل نظام-مند کنش‌های انسانی در عهود گذشته است (رضوی، ۱۳۹۴: ۲۳)؛ در واقع تاریخ بسیار مفید و حقیقتاً ضروری است؛ اما نتایج حاصل از مطالعات تاریخی، نسبت به سایر رشته‌های علمی، کمتر قابل ملاحظه و گاهی هم از تازگی کمتری برخوردار است. تاریخ هر کشوری به مثابه هویت و شناسنامه آن کشور است. در کشوری مانند ایران با قدمتی هفت‌هزار ساله، باید آموزش و یادگیری درس تاریخ با دیگر کشورها متفاوت باشد. کشورهای با سابقه در تاریخ، تمام حوادث و جزئیات را در کتاب‌های تاریخی منعکس نمی‌کنند؛ بلکه بیشتر فراز و نشیب‌ها و مثلاً چرایی پیروزی یا شکست در جنگی را به نگارش درمی‌آورند. درس تاریخ در مدارس و دانشگاه‌های ما توجه لازم و کافی را به خود اختصاص می‌دهد؛ اما آیا اغلب دانش‌آموزان از مطالعه تاریخ تنها به دنبال کسب نمره‌اند یا با شوق و ذوق به سراغ آن می‌روند؟ این از جمله سؤالاتی است که ذهن مدرسان تاریخ را به خود مشغول کرده است. مسئولیت حفظ اهمیت رشته تاریخ در وهله اول متوجه مدرسان این رشته است. تازمانی که استادان تاریخ قدر و منزلت این رشته را ندانند، بالطبع مخاطبان نیز ارزشی برای آن قائل نیستند.

نکته مهم آن است که باید بین مدرس تاریخ و پژوهشگر تاریخ تمایزی قائل شد. پژوهشگر تاریخ لزوماً به دنبال هویت‌سازی نیست، اما استاد و مدرس تاریخ از نتایج پژوهشگران در راستای هویت‌سازی استفاده می‌کنند. از نظر دانشجویان، اشتیاق و تعهد دو ویژگی اصلی مدرس کارآمد تاریخ است که عموماً با علاقه جدی نسبت به موضوع همراه می‌شود (بوث، ۱۳۹۶: ۶۳). مدرس تاریخ می‌تواند فراگیران بی‌انگیزه و بی‌علاقه به تاریخ را

علاقه‌مند و آنان را برای این رشته تربیت کند و درمقابل، مدرس ناکارآمد نیز می‌تواند فراگیر علاقه‌مند را به مرور نسبت به تاریخ بی‌علاقه کند و او را از این رشته دورتر سازد. در کنار عشق و شیفتگی واقعی، دانش ژرف نسبت به موضوع نیز از جمله مؤلفه‌های بسیار مهم یک مدرس تاریخ است. همچنین یک مدرس خوب باید با دانشجویان خود همدلی داشته و آن قدر شکیبیا باشد که نظریه‌های پیچیده را برای کسانی که دیرتر متوجه می‌شوند، قابل فهم سازد یا هنگامی که غامض بودن بحث باعث سردرگمی و گیجی می‌شود، مطلب را با حوصله صورت‌بندی کند و ابعاد و علل پیشینی، پیرامونی و نتایج پسینی آن را شرح کند و با توضیحات لازم ابهام شکل گرفته در ذهن دانش‌آموز یا دانشجو را گام‌به‌گام برطرف سازد؛ بنابراین، باید توجه داشت، منظور پژوهشگران این تحقیق، تغییر بینش و نگرش مدرسان تاریخ است نه پژوهشگران تاریخ.

درمجموع، می‌توان ویژگی‌های اصلی یک مدرس خوب را بدین ترتیب بیان کرد که شامل این موارد باشد؛ خوش‌برخورد بودن، اشتیاق به موضوع، تعهد آشکار به تدریس، تخصص در حوزه تدریس، ارائه واضح و قانع‌کننده نظرها، مرتبط ساختن موضوع به زندگی واقعی و امروزی، احترام قائل شدن برای دیدگاه‌های دانشجویان و آمادگی برای شنیدن نظرهایشان، تشویق فراگیران به مشارکت در مباحث درسی، ارائه راهنمایی روشن درباره منابع و متون و ارائه بازخوردهای سازنده در تکالیف (بوث، ۱۳۹۶: ۶۴). حال باید دانست که بینش این مدرسان نسبت به درس تاریخ بایست چگونه باشد. پژوهش حاضر بیشتر براساس تجربیات زیسته پژوهشگران به رشته تحریر درآمده است و در بعضی قسمت‌ها جهت مستندسازی به منابع و مأخذ ارجاع داده می‌شود.

نویسندگان مقاله در جلسه آغازین با ترسیم خط تاریخ ایران و اسلام و تطبیق آن با تاریخ اروپا، ابتدا ذهنیت دانشجویان را شکل می‌دهند؛ سپس دلایل ازوم مطالعه تاریخ و ارتباط آن با زمان حال و فلسفه مطالعه هر درس بیان می‌گردد؛ در ادامه، توضیح مفاهیم و عناوین اصلی آن، بیان برخی داستان‌های تاریخی، ارتباط تاریخ ایران با تاریخ اسلام، نمایش فیلم‌های کوتاه در کلاس، مقایسه یک حادثه تاریخی در حداقل دو کتاب، طراحی جدولی با مؤلفه‌هایی جهت تقویت تفکر انتقادی دانشجویان و تشکیل گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی جهت بحث‌های علمی، از جمله فعالیت‌هایی است که با بهره‌جستن از آنها

تاریخ‌آموزان را نسبت به تاریخ علاقه‌مند می‌کنند و نتایج این اقدامات را از جهت تأثیرگذاری بر مخاطبان و نزدیک شدن به اهداف یاد شده، بررسی می‌کنند.

بینش مدرسان تاریخ

نویسندگان پژوهش حاضر با تجربه دست‌کم یک‌دهه در حوزه تدریس تاریخ در دانشگاه‌های مختلف ایران با دانشجویان مختلف حوزه تخصصی یا عمومی تاریخ مواجه بوده‌اند. در همان جلسات آغازین زمانی که از اطلاعات پیشینی دانشجویان نسبت به تاریخ پرسش می‌شود، چنین به نظر می‌رسد که دانشجویان نسبت به درس تاریخ نوعی احساس غریبگی و از خودبیگانگی دارند. با بررسی بیشتر و کسب اطلاعات از فراگیران این نتیجه حاصل می‌شود که علت اصلی بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی فراگیران نسبت به تاریخ به دوران دبیرستان آنان بر می‌گردد. اکثر آنان اظهار می‌دارند که دبیران تاریخی که به آنان درس داده‌اند یا تخصص لازم را در این رشته نداشته‌اند یا با فنون تدریس سنتی (تأکید بر محفوظات) و توجه صرف بر تاریخ سیاسی، اسباب بی‌علاقگی مخاطبان را نسبت به تاریخ فراهم کرده‌اند.

در چند سال اخیر، برخی دبیران و استادان تاریخ که در جذب آنان تخصص و تعهد در نظر گرفته شده است، وضعیت این رشته را در ایران، به جایگاه بهتری نسبت به قبل رسانده است؛ اما همچنان مدرسان بسیاری که در این زمینه مشغول‌اند، هیچ فهم و درک روشنی از رشته تاریخ ندارند و نسبت به ماهیت و جایگاه این علم در تربیت شهروندانی با اصالت و دارای هویت غافل‌اند. تا زمانی که بینش غیرپویا، نگاه سنتی و منسوخ‌شده و فنون بی‌روح این افراد در زمینه تدریس تاریخ تغییر نکند، صحبت از تغییر در ماهیت و محتوای دروس تاریخی نیز بی‌سرانجام خواهد بود.

هرگونه تغییر در رشته تاریخ، در محتوا، اهداف آموزشی و فنون تدریس، مشروط بر ایجاد تغییر در بینش و نگرش دبیران و استادان تاریخ است و بایست بینش دبیران تاریخ از یادگیری برای گذراندن این درس، حفظ کردن داده‌های تاریخی و انجام تکلیف محدود معلمی، به یادگیری برای فهم و آموزش تفکر انتقادی تغییر کند. یک دبیر یا استاد تاریخ در وهله اول، باید فراگیران را نسبت به فلسفه مطالعه تاریخ آگاه سازد. نسبت این گزاره از آن روی دارای اهمیت است که برای حل هر مسئله‌ای، فهم صورت مسئله خود پنجاه درصد

راه‌حل آن مسئله است و اگر اهمیت و ضرورت مطالعه تاریخ، یعنی فلسفه تاریخ، به معنی
 اخص کلمه به عنوان صورت مسئله تنظیم شود و جواب صحیح و علمی بدان داده شود،
 بخش قابل توجهی از درک صحیح و کاربردی مطالعه تاریخ انجام خواهد که در ادامه بدان
 خواهیم پرداخت.

ایجاد بینش نسبت به چرایی خواندن تاریخ

اولین بینشی که در دبیران و استادان تاریخ باید تغییر کند یا نسبت به آن اطلاعات جامع
 و مانعی داشته باشند، آن است که چرا باید تاریخ را مطالعه کرد. چرا متونی که متعلق به
 قرون گذشته است و با توجه به تغییرات جهان اکنون و انفجار اطلاعات در قرن ۲۱م. که
 بشر طبیعت را به تسخیر درآورده است و اکتشافات خود را در فضا گسترانیده، مطالعه شود.
 متأسفانه آنچنان که مشاهده شده است هنوز بسیاری از دبیران و استادان تاریخ نسبت به این
 پرسش ساده ولی مهم آگاهی کافی ندارند و اگر در کلاس درس فراگیران از آنان سؤال کنند
 که چرا باید تاریخ را مطالعه کنیم، نمی‌توانند پاسخی درخور، قانع‌کننده، اصولی و
 علمی ارائه کنند؛ پس به همین دلیل، در این پژوهش کوشش بر آن است تا در ادامه به
 برخی از مهمترین مؤلفه‌های دلیل اهمیت و فلسفه تاریخ اشاره‌ای شود تا شاید بتوان یکی از
 جواب‌های موجز و مفید درخصوص چرایی مطالعه تاریخ را یافت. در این زمینه،
 «ابن خلدون»، مورخ مسلمان قرون هفتم و هشتم هجری می‌گوید «باید دانست که فن تاریخ
 را روشی است که هر کس بدان دست نیابد و آن را سودهای فراوان و هدفی شریف است؛
 چه این فن ما را به سرگذشت‌ها و خوبی‌های ملت‌ها و سیرت‌های پیامبران و دولت‌ها و
 سیاست‌های پادشاهان گذشته آگاه می‌کند و برای آنکه جوینده آن را در پیروی از این
 تجارب و احوال دین و دنیا فایده تمام نصیب گردد، وی به منابع متعدد و دانش‌های
 گوناگونی نیازمند است.» (ابن خلدون، ۱۴۰۰: ۱۳/۱).

ابن خلدون به درستی، در گام نخست علت مطالعه تاریخ را بیان می‌کند (ابن خلدون،
 ۱۴۰۰)؛ البته این اندیشمند اسلامی تنها بدین گزاره اکتفا نمی‌کند و مبانی فکری خود را با
 این مطلب آغاز کرده است و در این پژوهش، در بحث‌های پیش‌رو اشاره‌گذاری بدان
 خواهیم کرد؛ با این حال، جنبه‌های گوناگون مطالعه تاریخ صرفاً تأکید بر خواندن برخی متون
 تاریخی برای آموزش نیست و در این میان نباید از یاد برد که از نقطه نظر آموزشی، چه

آموزش رسمی مد نظر باشد و چه نوع غیر رسمی آن، فلسفه و تاریخ به همدیگر وابسته‌اند و این نیاز بی‌شک متقابل است (مجتهدی، ۱۳۸۸: ۲)؛ چرا که مطالعه تاریخ صرفاً مطالعه حوادث روزگار گذشته نیست، بلکه فهم زمان حال است؛ پس در این مرحله آن‌چه مهم جلوه می‌کند، نوع مواجهه با ماهیت و سرشت تاریخ است؛ یعنی پرداختن به این مسئله که آیا ما تاریخ را تنها رخدادهایی پیاپی و واقع شده در گذشته می‌بینیم و آن را بسان مفهومی مرده و تمام شده در گذشته در نظر می‌گیریم یا بسان موجودی دارای حیات که زنده و پویا است در شمار می‌آوریم. به نظر می‌رسد، پاسخ بدین پرسش اولین دریچه را برای فردی که با تاریخ مواجه می‌شود می‌گشاید و همچنین سمت‌وسو و کیفیت نوع نگاه ناظر امروزی به تاریخ، به اندازه گستره، وسعت و کیفیت این دریچه است؛ در نتیجه، نگاه ناظر تأثیرگذار است و تبیین این موضوعات به عهده دبیران و استادان تاریخ است؛ چرا که این موضوع به پرسش‌هایی اصلی در فلسفه نظری تاریخ برای دانشجو ختم می‌شود؛ یعنی این پرسش‌ها که تاریخ به کجا می‌رود و به دیگر سخن هدف آن چیست، یا اینکه چگونه می‌رود یا به عبارت دیگر، سازوکار حرکت و محرک‌های آن چیست و این پرسش که از چه راهی می‌رود؛ یعنی میسر و منزل برجسته حرکت آن به کجاست (سروش، ۱۳۵۷: ۸).

شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز و دانشجوی تاریخ

شخصیت فراگیران، در ابتدا، در محیط خانه شکل می‌گیرد. دومین محلی که دانش‌آموز تحت تأثیر همسالان خود، مهارت‌های زندگی را می‌آموزد و به نوعی شخصیت او شکل می‌گیرد، محیط مدرسه است. کریستوفر برگ در تحقیقی که در آمریکا و در بین دانش‌آموزان انجام داده است به این نتیجه رسیده که تعداد قابل توجهی از آنان در سوال اینکه چرا تاریخ می‌خوانیم رشد شخصیت و آموزش شهروندی را مطرح کردند (Christopher, 2019).

در مدرسه معلمان و دبیران با تسلط و اشراف به مبانی درسی، اخلاقی و تربیتی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت و اصالت فردیت دانش‌آموز دارند. سی‌سز^۱ بر این باور است که تاریخ در شکل‌دهی هویت فردی و اجتماعی و همچنین شخصیت دانش‌آموز و دانشجو نقش اساسی دارد. زیرا افراد با مطالعه تاریخ نه تنها با گذشته خود بلکه با

ارزش‌ها، هنجارها و مفاهیم فرهنگی جوامع مختلف آشنا می‌شوند که به شکل‌گیری شخصیت آنان کمک می‌کند (Seixas, 2004). از جمله درس‌هایی که نقش بی‌بدیلی در ساخت و پرورش فرد دارند، تاریخ است. تاریخ می‌تواند به اندازه ده‌ها درس و چه بسا بیشتر از آن انسان‌ساز باشد (ایچ کار، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۰۳).

به دیگر سخن، فاعل تاریخ، فاعل شناسایی تاریخ، موضوع شناخت تاریخی و غایت نتیجه شناخت تاریخی همه برآمده از «انسان» است. انسان «هم تاریخ‌ساز است و هم مفسر تاریخی است که ساخته خود او به شمار می‌آید، چراکه فهم عمیق‌تر نسبت به بافت و زمینه‌های انسانی برآمده از تاریخ، جهان‌بینی فرد را در فهم عامل‌های تاریخی جهت پیش بینی پیامدهای احتمالی کنش‌های موردنظر تا پیامدهای واقعی گسترش می‌دهد» (استنفورد، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۰).

پس مدرسان تاریخ می‌توانند با شرح داستان‌های آموزنده تاریخ با محوریت اخلاق، تعریف بسترهایی که آن رویدادها در آن اتفاق افتاده‌اند و برداشت‌های مختلف از یک رویداد برای فراگیران، آنان را نسبت به فضائل اخلاقی و مذمت بی‌اخلاقی که به نوعی در ساخت شخصیت آنان مؤثر است، ترغیب به ایفای نقش کنند؛ علاوه‌بر اینها آموزه‌های اسلامی حاوی نکات آموزنده زندگی و تأثیرگذار در ساخت شخصیت انسان است؛ به عنوان نمونه، در سوره یوسف آیه ۱۱۱ آمده است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ یعنی در داستان‌هایشان خردمندان را عبرتی است؛ این داستانی برساخته نیست؛ بلکه تصدیق سخن پیشینیان و تفصیل هر چیزی است و برای آن‌ها که ایمان آورده‌اند هدایت و رحمت است.

با این همه، باز هم ممکن است مطالعه تاریخ برای تاریخ‌آموزان مایه خستگی باشد؛ پس اینجاست که مدرسان این رشته بهتر است اخلاقیات و واکنش‌های سیاسی - اجتماعی برگرفته از منش انسان‌های معتقد به اخلاق را برای هنرآموزان بازگو کنند، آن‌گونه که رانکه^۱ معتقد است در تمامی دوره‌ها رابطه مستقیمی با خدا وجود دارد و ارزش‌ها به هیچ وجه ارتباطی با آنچه از آن‌ها منشعب است نبوده؛ بلکه ارزش هر چیزی در وجود و نفس خودش

1. Leopold von Ranke (1795-1886)

وجود دارد (رانکه به نقل از استنفورد، ۱۳۹۲: ۳۰).

هویت بخشی تاریخ

موضوع هویت ملی از جمله مباحث مطرح در علوم اجتماعی و سیاسی است و عاملی مهم در نظم اجتماعی، وحدت و همبستگی ملی به‌شمار می‌رود (حسنی‌فرد و عباس‌زاده مرزبالی، ۱۳۹۹: ۳۴). تاریخ به مانند مؤلفه‌های دیگر از جمله سرزمین، فرهنگ و آداب و رسوم، دین و اعتقادات مذهبی، میراث سیاسی و حکومت، زبان فارسی و اسطوره‌های ملی، هویت فرد ایرانی را شکل می‌دهد. در خصوص شکل‌گیری هویت ملی براساس تاریخ، دو دیدگاه وجود دارد؛ نظر گروه نخست این است که هویت ملی در ایران پدیده‌ای نوظهور است و به قرون هفده و هجده میلادی و ظهور دولت-ملت‌های جدید برمی‌گردد و گروه دیگر معتقدند به دلیل سابقه تمدنی و تاریخی کهن، می‌توان مؤلفه‌های تاریخی هویت ملی را در ایران باستان و دوره اسلامی جست‌وجو کرد. سابقه تاریخی و تجربه عملی ایران نشان می‌دهد که جامعه ایران دارای ویژگی‌هایی است که آن را بر طبق معیارهای علمی از صفت ملت برخوردار می‌کند (حسنی‌فرد و عباس‌زاده مرزبالی، ۱۳۹۹: ۳۸).

در مجموع، می‌توان گفت هویت ملی ایران در سه لایه اصلی قابل بررسی است؛ رکن اول ایران باستان است که آن را بعد ایرانی هویت ملی نامیده‌اند؛ رکن یا لایه دوم اسلام است و سوم مدرنیته است که از اوایل عصر قاجار بر اندیشه سنتی تعلق به هویت ایرانی تأثیر گذاشته و جلوه تازه‌ای به این هویت بخشیده است (گودرزی، ۱۳۸۷: ۹۸).

در دوره باستان هویت ایرانی با آداب و رسوم و تمایز بین ایران با توران، یونان و روم و همچنین دین، فرهنگ و حکومت شکل یافت؛ که به نام هویت باستانی و اسطوره‌ای ایرانی معروف گردید. در این دوره، دودمان‌های ماد، هخامنشی، سلوکیه، اشکانی و ساسانی در ایران حکومت داشتند که در طول این دوران پیوستگی و تداوم فرهنگی و احساسات ملی نزد جامعه ایران استمرار یافت (کبیری افشار، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۵). با حمله اعراب به ایران، بحث هویت ملی تضعیف شد تا در عصر سامانیان (حک: ۳۹۵-۲۵۰ق) بار دیگر با حمایت از زبان فارسی تقویت شد. قدیمی‌ترین نثر پارسی موجود به رسم الخط عربی به نام شاهنامه منشور از عهد سامانیان قبل‌تر نمی‌رود (صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۵۷). در این دوره، علاوه بر نثر؛ شعر پارسی به عنوان هویت ایرانی مورد توجه سامانیان بود. رودکی سمرقندی یکی از شاعرانی

است که مورد توجه آل سامان قرار داشت. عوفی درباره‌ی وی می‌نویسد: «امیر نصر بن احمد سامانی که امیر خراسان بود، او را قرب حضرت خود مخصوص گردانید و کارش بالا گرفت و ثروت و نعمت او به حد کمال رسید» (عوفی، ۱۳۲۱ق: ۷-۶).

تاریخ به هویت بخشی کمک می‌کند و بی‌تردید این یکی از دلایلی است که همه کشورهای پیشرفته، آموزش تاریخ را به شکل‌های مختلف تشویق می‌کنند. می‌توان گفت که تعریف یک گروه در مقایسه با تعیین هویت احتمالی، بستگی به میزان غنی بودن گذشته دارد. اگر هویت را به مجموعه‌ای از اجزاء شبیه کنیم، اجزای این مجموعه سرزمین، زبان مشترک، نژاد، آداب رسوم، تاریخ مشترک، تمدن، نوع پوشاک، خوراک، اساطیر و ... است. در این میان، تاریخ نقش بسیار مهم و پررنگی در ساخت هویت و فرهنگ یک کشور ایفا می‌کند. با اینکه هویت قومی و ملی به‌طور کلی، امری طبیعی و ثابت و از دیگرسو نیز غیرایستا است و پایه‌های آن تغییرپذیر است، اما می‌توان آن را به‌عنوان پدیده‌ای به حساب آورد که «گذشته از عناصر عینی و آفاقی، ریشه در تجربه‌های مشترک و خاطرات و تصورات جمعی مردم دارد. در دوره تاریخی ابداع می‌شود. خاطرات تاریخی در ارتباط با آن شکل می‌گیرد یا خاطرات فراموش شده در خصوص آن احیا می‌شود. قبالة تاریخی برایش ثبت می‌شود و در سالگردها و سالروزها به حیاتش ادامه می‌دهد» (اشرف، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۱).

امروزه این درس تاریخ است که می‌تواند به نسل جوان برای بازیافتن هویت و گذشته خود کمک در خورتوجهی بکنند و آنان را با گذشته و فرهنگ‌شان بیشتر آشنا کند؛ علاوه بر این، دنیای غرب با سیل بنیان افکن در زمینه اضمحلال فرهنگ‌های غیر غربی و استحلال آنان در فرهنگ غربی، این از خودبیگانگی فرهنگی را شدت بخشیده است و سپری که می‌تواند جلوی این سیل خطرناک را بگیرد، همانا درس تاریخ و نقش متولیان آن یعنی دیران و استادان تاریخ است.

منابع تاریخی حل منازعات بین‌المللی

تاریخ حافظه جمعی یک ملت است و این تصور غیرقابل پذیرش است که جامعه‌ای نسبت به گذشته خود شناخت روشنی نداشته باشد و نسبت به تاریخ خود عامدانه غرض-ورزی کند. خود را در محیطی تصور کند که نسبت به آن شناختی ندارد، خاطره و حافظه تاریخی نداشته باشد، متحیر و سرگردان باشد و هرکس بتواند چنین جامعه‌ای را به

سمت و سویی که خود دوست دارد بکشد. منابع تاریخی همان گونه که کارکرد حفظ حافظه جمعی را دارد، می تواند در جهان پر از تلاطم حافظ منافع ملت خود در سطح بین الملل باشد. منابع تاریخی می توانند در سطح بین الملل در خدمت منافع ملی قرار گیرند؛ به عنوان شاهد مثال نقل قول حسین مکی در کتاب *زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه قاجار جالب توجه* است که می گوید: «هنگامی که دکتر مصدق نخست وزیر برای دفاع از حقوق ایران عازم شورای امنیت سازمان ملل متحد بود، در صدد جمع آوری اسناد و مدارک محکمی که دال بر دخالت های ناروای انگلستان در امور باشد، برآمد. از وزارت خارجه می خواهد که از قرارداد مهم اوت ۱۹۱۹م. عکس برداری [کند] و نزد او بفرستد؛ ولی هرچه تجسس شد و هر قدر کاوش نمودند، اثری از قرارداد مزبور پیدا نشد؛ یعنی از قرارداد سابقه ای در وزارت خارجه ایران وجود ندارد و معلوم نیست متن قرارداد چه بوده است و به مراجع دیگر هم مراجعه نمودند؛ ولی [نتوانستند قرارداد را به دست بیاورند. بالاخره خود دکتر مصدق به خاطرش می آید که در کتاب *زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه* که نگارنده به او تقدیم کرده بوده دیده است؛ بنابراین این کتاب را برداشته و با خود به آمریکا می برد و تنها کتابی است که به عنوان مدارک دخالت انگلستان در امور ایران ضمن مدارک دیگر تسلیم شورای امنیت سازمان ملل کرده است و فعلاً در بایگانی شورای امنیت ضبط می باشد» (مکی، ۱۳۶۲: ۴۹). یا در خصوص مسئله ای که اخیراً مطرح شده است و آن این است که شنیده می شود برخی از کشورهای همسایه ایران بعضی از بزرگان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی را مانند ابن سینا، مولوی یا حتی آداب و رسوم ایرانی را به نام کشور خود ثبت جهانی می کنند؛ حال آنکه اگر مسئولان فرهنگی ایران و سفرای ایران مسلط به تاریخ سرزمین خود باشند یا مشاورانی از استادان تاریخ در کنار خود داشته باشند، این امر محقق نخواهد شد؛ پس این گونه است که اگر مسئولان کشور تاریخ را به جای محفوظات غیر کاربردی به منزله مفهومی کاملاً کاربردی، عملیاتی و ضروری بشناسند، برخی از این مشکلات حل خواهد شد.

تاریخ و افزایش افق آینده

به نظر می رسد که زندگی و فعالیت کنونی ما هم آینده را می سازد و هم به تدریج به صورت بخشی از گذشته درمی آید (عیوضی، ۱۳۸۵: ۹۰) این نشان دهنده ارتباط زمانها با

یکدیگر است. همان‌گونه که فعالیت‌های زمان حال ما آینده را رقم می‌زند، گذشته ما (تاریخ) نه تنها با زمان حال ما ارتباط دارد، بلکه به صورت غیرمستقیم آینده ما را طراحی می‌کند. این جمله را با این مثال ساده روشن می‌سازیم. مسابقه پرش را اکثر ما حداقل یک بار تجربه کرده‌ایم. فراگیران روی یک خط می‌ایستند و با اعلام داور باید به جلو پرش کنند؛ مثلاً علی ۱ متر، حسن ۱/۵ متر؛ اما زمانی که این افراد با توصیه مربی کمی عقب‌تر می‌روند و حالا با دویدن پرش خود را انجام می‌دهند، بیشتر از قبل می‌پرند؛ این عقب‌تر رفتن همان حکم مطالعه تاریخ را دارد. مدرسان تاریخ با خلاقیت و قوه ابتکار خود باید در کلاس‌های درس در زمینه فواید مطالعه تاریخ این‌گونه مثال‌ها را بگویند تا فراگیران را نسبت به یادگیری تاریخ علاقه‌مند سازند. این نگرشی اساسی در بین متولیان تاریخ است. آنان باید در جلسه نخست درس، فراگیران را با تاریخ و آینده این رشته آشنا سازند. مویر می‌گوید که تاریخ به افراد کمک می‌کند تا با تحلیل روندهای گذشته، دیدگاه‌های جدیدی برای آینده پیدا کنند و براساس این تحلیل‌ها تصمیمات بهتری اتخاذ کنند (Muir, 2011, pp 32-24).

تاریخ درس گذشته برای ساخت آینده

مدرسان تاریخ باید آشنا به این موضوع باشند که تاریخ متعلق به گذشته نیست؛ به عبارتی، علوم انسانی ماهیتی تاریخی دارد؛ به این دلیل که مدام در حال شدن و صیوروت است (رضوی، ۱۳۹۱: ۲۹۸). مهم آن است که جامعه‌ای تاریخ را بخوانند؛ اما در تاریخ نمانند. مورخ تحت تأثیر گفتمان عصر خود است. مسئله مورد بررسی خود را از زمان حال اخذ می‌کند و در منابع تاریخی به دنبال حل آن می‌گردد و بعد از رسیدن به حقایق تاریخی آن را برای زمانه کنونی خود به کار می‌گیرد. آن موقع است که می‌توان گفت تاریخ عبرت‌ساز و حاوی راه‌حلی برای آینده است. تا زمانی که مدرسان تاریخ چنین دیدی را به تاریخ نداشته باشند، ایحاد تحول این رشته به سختی محقق خواهد شد.

آنچه در این زمینه اهمیت دارد این است که نگاه به تاریخ بیشتر از نوع نگاه تحلیلی باشد و نه از نوع نگاه نقلی؛ هرچند هر دوی این نگرش‌ها برای فراگیران تاریخ مهم است. تاریخ نقلی حکم تأمین مواد و اطلاعات لازم را دارد؛ ولی آنچه مهم است این است که دانشجوی تاریخ اگر بخواهد از تاریخ برای ساخت جهان معاصر بهره بگیرد، باید نگاه و رویکردش به تاریخ از نوع تفهیمی - تحلیلی یعنی تفکر و منطق فاعلان تاریخ و مطالعه

و علت‌یابی حوادث باشد. حوادث را در بستر زمانه خود ببیند. رویدادهای تاریخ را در ارتباط با یکدیگر مشاهده کند و با نگرشی کلی به تبیین تاریخ پردازد، نه تنها روایت تاریخ. این رویکرد و نگاه انتقادی و تحلیلی به ما می‌آموزد که در هنگام مطالعه یا تحقیق در مورد تاریخ، خود را در همان زمان‌ها قرار داده و تاریخ را مطالعه کنیم؛ یعنی همان‌گونه که در زمان حال برای تصمیم‌گیری در مورد انجام دادن یا انجام ندادن کاری، شرایط محیطی، اقتصادی، روحی - روانی و غیره را در محیط پیرامون خود مورد سنجش قرار می‌دهیم و سپس تصمیمی می‌گیریم و دست به عملی می‌زنیم، شرایط تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و مناسبات میان جوامع و مسائل داخلی جامعه و سایر مسائل مورد بحث در دوره تاریخی را هم مدنظر قرار دهیم و با توجه به آنها دست به تحلیل و نقد بزنیم.

نکته این است که تاریخ را با آگاهی‌هایی که امروز در اختیار داریم نبینیم و خود را در آن دوره قرار دهیم و وقایع و مناسبات را بنگریم؛ چراکه در نهایت حاصل این دست تحلیل‌ها نقش عمده‌ای در درک چگونگی پیشامدها و علل و عوامل آن دارد و این گذرگاه اگر غیرمغرضانه، عالمانه و صحیح باشد، در آموختن دروس مفیدی از تاریخ موثر خواهد بود (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۷). ابن‌خلدون در نیز در این رابطه و در ادامه تعریف خود از تاریخ - که بیشتر بدان اشاره شد- نکته‌ای مهم را گوشزد می‌کند: «برای آنکه جوینده آن را در پیروی از این تجارب و احوال دین و دنیا فایده تمام نصیب گردد، وی به منابع متعدد و دانش‌های گوناگونی نیازمند است و هم باید وی را حسن نظر و پافشاری و تثبت خاصی باشد، در صحت سند و چگونگی روات که هر دو وقتی دست به هم داد، او را به حقیقت رهبری کند و از لغزش‌ها و عادات و رسوم و قواعد سیاست‌ها و طبیعت تمدن و کیفیات اجتماعات بشری پردازد و حوادث نهان را با وقایع پیدا و اکنون را با رفته بسنج. چه بسا که از لغزیدن در پرتگاه خطاها و انحراف از شاهراه راستی در امان نباشد.» (ابن‌خلدون، ۱۴۰۰: ۱۳/۱).

ابن‌خلدون با اشاره به این موضوع، برخی از مهم‌ترین خطوط اصلی اندیشه خود را مشخص می‌کند که همانا مفهوم واقعیت تاریخی و شناخت مربوط بدان است و از دیگر سو، خطایی که این شناخت را تهدید می‌کند؛ چراکه شناخت درست از واقعیت تاریخی زمانی حاصل می‌شود که ذهن آغوش خود را بر روی همه جریان‌های زندگی بشری باز کند؛ زیرا کار ذهن صرفاً ضبط سلسه حوادث نیست و باید از آن فراتر برود، تا واقعیت را در

کلیت موجود آن بشناسد؛ پس از همین رو است که ابن‌خلدون به درستی توجه به دانش - های گوناگون و منابع متعدد را ضروری تلقی کرده است که این اصل خود تأکید بر مفهوم سرشت واقعه تاریخی و از دیگر سو مفهوم پرورش مورخ استوار است (نصار، ۱۳۶۶: ۹۹).

تاریخ منبع شناخت خود و جهان

امروزه وسایل و منابع شناخت جهان اطراف متنوع شده است و مانند گذشته محدود نیست. امروزه وسایل و امکانات شناخت جهان متنوع شده است. یکی از منابع شناخت جهان تاریخ است. بزرگان و مکاتب فکری در طول تاریخ بشری همواره تاریخ را یکی از وسایل شناخت جهان پیرامون بشر معرفی کرده‌اند. از دیدگاه اسلام تاریخ منبع شناخت و معرفت برای کشف قوانین حاکم بر جامعه بشری در جهت عبرت‌پذیری آدمیان است. چنین معرفتی از دید اسلام ابزاری تربیتی و پرورشی است (حضرتی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى»^۱ علاوه بر آنکه تاریخ منبع شناخت جهان است، منبع خودشناسی نیز می‌باشد. خودشناسی از طریق شناخت دیگران و مشاهده فراز و نشیب زندگی آنان میسر می‌گردد. دانش تاریخ به ما آموزش می‌دهد مبسوط فکر کنیم. گشادگی فکر، انسان را از افتادن به دام تنگ‌نظری و یک‌بغدی دیدن افراد و جهان پیرامون محفوظ نگه می‌دارد.

تاریخ و مشکلات جامعه معاصر

اگر جامعه را به مثابه جسم بدانیم؛ این جسم دوران طفولیت، جوانی و پیری دارد. زمانی که به بیماری دچار شود نیازمند پزشک می‌شود، این پزشک برای تشخیص درمان می‌بایست گذشته‌ای از آن جسم بداند تا بتواند با تشخیص صحیح، داروی متناسب با بیماری تجویز کند. امروزه هر جامعه‌ای به مشکلاتی گرفتار است که حل آن مشکلات توسط متخصصان نیازمند تشخیص درست آن عارضه با بررسی در تاریخ است. اینجا است که نویسندگان این سطور به این نظر معتقدند که دوره‌های تاریخی هر جامعه مانند حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصل‌اند؛ اگر از زنجیر چند حلقه جدا شود، دیگر نمی‌توان به آن زنجیری واحد گفت. برای درمان امراضی مانند فساد گسترده اخلاقی جامعه نیازمند مطالعه تاریخ و چگونگی تحول

رفتار انسان‌های آن جامعه هستیم؛ به عبارتی تاریخ باید در خدمت زندگی عملی انسان باشد؛ نه آنکه او را از زندگی بازدارد. تاریخ زمانی زیان‌آور می‌شود که ارتباطش را با زمان حال قطع کند (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۳).

با اینکه تاریخ ممکن است خود به تنهایی از عهده این کار برنیاید، اما نباید از یاد برد که رسالت تاریخ به صورت کلی کشف یا تولید قوانین عام نیست؛ بلکه در گام نخست مواد اولیه را برای دیگر علوم از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، جغرافیا، اقتصاد، باستان‌شناسی و مانند اینها فراهم می‌کند تا متخصصان این حوزه‌ها با استفاد از مواد تاریخی دست به نظریه‌پردازی بزنند و با بهره گرفتن از آن رهیافت، مشکلات جامعه را حل کنند؛ با این حال گاه خود مورخ در حین خواندن و تحقیق پیرامون موضوعی خاص به قوانینی دست می‌یابد که با اینکه هدف وی نبوده است، اما در نهایت از جمله فواید کار اوست که می‌توان گفت وی توانسته از آن به بهترین نحو بهره ببرد (ملائی توانی، ۱۳۹۷: ۲۵).

تاریخ و ارزش‌های اخلاقی

امروزه کمتر گفته می‌شود که مورخ نباید درباره زندگی خصوصی چهره‌های تاریخی داوری اخلاقی کند. کروچه معتقد است گذشتگان را نباید در دادگاه‌های امروزی محاکمه کرد؛ زیرا آنان در دادگاه‌های عصر خود حاضر شده‌اند و محاکمه یا تبرئه شده‌اند. داوری اخلاقی ستایش‌آمیز افراد نیز درست مانند نکوهش اخلاقی افراد می‌تواند گمراه‌کننده باشد. مورخ باید درباره نهادها قضاوت اخلاقی کند؛ نه درباره افرادی که آن را به وجود آورده‌اند. مورخان قضاوت‌ها و ارزش‌های اخلاقی خود را با الفاظی مانند مترقی و مرتجع ابراز می‌کنند؛ نه با واژگان مطلق؛ مانند نیک و بد (بیچ. کار، ۱۳۹۶: ۱۲۵-۱۱۳).

اما مطالعه تاریخ علاوه بر فواید بسیاری که بر آن مترتب است، این نکته مهم و اساسی را به ما آموزش می‌دهد که چه بسیار شاهان، وزراء، امراء، والیان، سرمایه‌داران و غیره، پا به عرصه جهان نهادند و امروزه تنها نامی یا یادگاری از آنان باقی مانده است. این گفته جمال‌الدین ابن‌ظافر آزدی، تاریخ‌نگار مصری حائز اهمیت است که گفته است: «اگر از فواید تاریخ جز همین پندار که روزگار به یک حال نماند و دوام ندارد نبود، برای آن که از سر تأمل بدان بنگرد، کافی بود» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۱). ابن‌فندق نیز در کتاب تاریخ خود در فواید تاریخ مطالب بسیاری دارد. او در مقدمه این کتاب می‌نویسد:

علم تاریخ گنج اخبار است	هم چو باد شمال طیار است
هر که با مرکبش سوار بود	دانش او یکی هزار بود
گر به صورت درین زمان باشد	او به معنی در آسمان باشد
دیده دنیا و روزگاری نه	شده حمال و هیچ باری نه

(ابن فندق، ۱۳۸۷: ۳-۷)

در زمینه تاریخ و ارزش‌های اخلاقی مولفه عبرت‌آموزی نیز گنجانده می‌شود. در آموزه‌های دینی به تکرار به این فایده از تاریخ اشاره شده است. عبرت از ریشه عبور و گذشتن است؛ یعنی عبور از سطح و ظاهر حوادث و وقایع و رسیدن به عمق و پیام یک حادثه و تغییر حالت، که راغب اصفهانی آن را گذر کردن از حالی به حال دیگر معنا می‌کند و عبرت گرفتن را حالتی دانسته که از شناخت مطالب مشهود و آشکار به دریافت مطالب پنهان می‌توان رسید (راغب اصفهانی، بی‌تا، مفردات، واژه عبر).

قرآن کریم در بیشتر سوره‌ها به بیان سرگذشت پیامبران و ملت‌های پیشین پرداخته است. در اسلام تجربه پیشینیان چنان اهمیت دارد که خداوند به پیامبر فرمان می‌دهد در راه اعتلای کلمه توحید و رستگاری و هدایت بندگان از تاریخ استفاده کند و روزهای مقدس خداوند (ایام الله) را به یادشان آورد^۱. رویدادهای تاریخی و حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده است به عنوان منبع مهم عبرت‌آموزی معرفی شده‌اند. به همین روی نیز شاعران بسیاری به عبرت‌آموزی تاریخ به شیوه‌های گوناگون سخن‌ها گفته و اشعاری سروده‌اند که به عنوان یکی از نغزترین و شیواترین آن‌ها به قصیده خاقانی شروانی اشاره می‌کنیم؛

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان	ایوان مدائن را آیینۀ عبرت دان
یک ره ز لب دجله منزل به مدائن کن	وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران
خود دجله چنان گرید صد دجله خون گویی	کز گرمی خونبایش آتش چکد از مژگان
بینی که لب چون کف به دهان آرد؟	گویی ز تُف آهش لب آبله زد چندان
از آتش حسرت بین بریان جگر دجله	خود آب شنیدستی کاتش کندش بریان
بر دجله گری نونو! وز دیده زکاتش ده	گرچه لب دریا هست از دجله زکات استان

(خاقانی، ۱۳۸۰: ۲۴۵)

۱. و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [او به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت‌هاست.

ارضاء حس کنجاوی انسان

انسان دوست دارد نسبت به آنچه نمی‌داند معلومات خود را افزایش دهد. این حس نسبت به گذشته نیز دیده می‌شود. گذشته‌ای که برای او ناشناخته است. اغلب افراد جامعه نسبت به پیشینه و سابقه تاریخی، فرهنگی و تمدنی خود حساس و کنجکاوند. یکی از مصادری که این حس کنجکاوی انسان را رفع می‌کند، مطالعه تاریخ است. دانش تاریخ، مانند هر دانش دیگری، غریزه کنجکاوی انسان را در زمینه سؤالات و پرسش‌های مختلف ارضاء می‌کند. انسان به صورت غریزی نسبت به مسائلی که نسبت به آن‌ها علم ندارد، کنجکاو است که از قضایای پیدا و پنهان آن مطلع شود. تاریخ می‌تواند بستر مناسبی برای این امر باشد. مدرسان تاریخ با برگزاری سفرهای علمی، تماشای فیلم، تصویر، بازدید از موزه‌ها می‌توانند نسبت به کنجکاوی فراگیران فعالانه عمل کنند.

تاریخ و مسئله عینیت

عینیت یا همان بی‌تعصبی یا به دیگر سخن عدم تعهد در تاریخ [نداشتن تعصب بی‌جا نسبت به حوادث] (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۶)؛ اما این بی‌تعهدی یا به دیگر سخن بی‌تعصبی شئون گوناگونی نظیر وابستگی اعتقادی به عقیده‌ای، نحله و جریان فکری یا سیاسی، احزاب، دولت‌ها، ادیان و غیره دارد. به همین روی در اینجا با پرسشی مواجه می‌شویم که از چه طریق می‌توان این بی‌تعصبی را از پس ذهن خود دور سازیم؟ یکی از راه‌های آن را باید در خواندن تاریخ جست‌وجو کرد؛ و از همین رو است که اهمیت مطالعه تاریخ بیشتر مشخص می‌شود؛ چرا که مطالعه تاریخ به ما می‌آموزد که در گذشته افراد یک جامعه در یک رویداد و به‌طور کلی در گذشته چگونه می‌اندیشیده‌اند و چه کنش و واکنش‌هایی از آنان در وقایع مختلف و شرایط گوناگون سر می‌زده است. پس مواجهه غیرمتعصبانه با تاریخ، بیشترین کمک را به آگاهی نسبت به ایده‌ها به ما می‌دهد؛ چراکه آگاهی از اندیشه‌های مختلف و آشنایی با طرز تلقی‌ها، زاویه نگاه و عوامل متأثر از آن جزمیت و تعصب‌ورزی که خود محصول ناآگاهی و نا آشنا بودن است، از کسی که تاریخ را با شیوه درستی مطالعه کرده دور می‌کند. فهم این موضوع و آموزش آن به شخصی که در کلاس درس تاریخ نشسته است تا

تاریخ را بیاموزد، در مسیر صحیح و اصولی خود، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فلسفه آموزش تاریخ می‌تواند به حساب آید.

تجربه عملی و تغییر بیش نسبت به تدریس تاریخ

یکی از بخش‌های مهم در تغییر بینش مدرسان تاریخ، تجربیات واقعی آنان در کلاس‌های درس است؛ به عنوان مثال، در یک تحقیق میدانی که توسط نویسندگان در کلاس‌های درس انجام شد، مشخص شد که تغییر رویکرد تدریس از روش‌های سنتی و تمرکز صرف بر وقایع تاریخی، به سمت ایجاد تفکر انتقادی و تشویق تاریخ‌آموزان به تحلیل حوادث تاریخی، تأثیر مثبتی در برانگیختن و علاقه تاریخ‌آموزان داشته است. در این تحقیق، مدرسان به جای تدریس صرفاً مبتنی بر حفظ وقایع، به بحث و بررسی علل و پیامدهای حوادث تاریخی پرداختند و از تاریخ‌آموزان خواستند تا شکست سلسله صفوی را با استفاده از منابع مختلف در قالب گروه‌های مختلف که دسته‌بندی شده بودند تحلیل کنند. هر گروه موظف شد تا با استفاده از منابع تاریخی، دلایل سقوط این سلسله را از زوایای مختلف مانند ضعف اقتصادی، دخالت‌های خارجی و فساد داخلی بررسی کند. نتایج این روش نشان داد که تاریخ‌آموزان نه تنها به تاریخ علاقه‌مندتر شدند، بلکه توانستند تحلیل‌های عمیق‌تری از وقایع تاریخی ارائه دهند و بیش بهتری نسبت به تاریخ کشور خود پیدا کنند؛ چرا که تاریخ‌آموزان خود از نزدیک با منابع دست اول مواجه شده بودند و جستجوی همراه با بحث و گفتگو با دیگر اعضای گروه، جهت فهم داده‌های متون دست اول و رسیدن به یک نتیجه واحد - برای هر گروه - باعث فهم عمیق‌تر نسبت به موضوعی نظیر علل سقوط صفویه شده بود. یا در تحقیق دیگر، علل سقوط دولت ساسانیان را براساس روش تدریس نمایشی مورد بررسی قرار دادیم و هنرآموزان به ایفای نقش شخصیت‌هایی مانند رستم فرخ‌زاد، سعدبن ابی وقاص و دیگران پرداختند. بعد از اتمام کار و طی گرفتن بازخورد از آنان بخش عمده مطلب و مفهوم برای آنان روشن شده بود.

در بررسی دیگر در یک کارگاه سکه‌شناسی شش ساعته در سه جلسه در ابتدا به صورت سنتی اما با استفاده از ابزارهای آموزشی جدید نظیر به کار بردن اسلایدهای متنی و همراه با تصویر و نقشه، مبانی اولیه سکه‌شناسی جهت آشنایی تاریخ‌آموزان با بحث سکه‌ها و اهمیت علمی آن آشنا شدند. در گام بعدی با در اختیار قرار دادن سکه‌های تاریخی - به صورت

حفاظت شده و با رعایت اصول موزه‌داری - تاریخ‌آموزان با ابزارهای لازم نظیر لوپ و زیربین خود به بررسی اولیه سکه‌ها پرداختند؛ سپس از آنان خواسته شد تا به پرسش‌هایی نظیر محتوای متنی و شکلی سکه‌ها به کمک هم پاسخ دهند. پس از بحث و گفتگو در گام بعد مجدداً نکات بیشتری از سکه‌ها به تاریخ‌آموزان داده شد تا با این داده‌ها بار دیگر سکه‌هایی را که در اختیار دارند بررسی کنند و به بحث و تبادل نظر پردازند. پس از بررسی و حصول نتایج دقیق‌تر، مدرس تحلیل نهایی را با اطلاعات مستخرج از سکه‌ها نظیر سلسله و حاکم، سال و محل ضرب و همچنین بینش و ایدئولوژی حاکمان و قیاس آن با داده‌های سکه‌ها را از تاریخ‌آموزان خواست. نتایج به‌دست آمده در انتها بسیار حائز اهمیت بود. درصد بالایی از تاریخ‌آموزان با اشتیاق بیشتری بحث‌ها را دنبال می‌کردند و برای کسب نتیجه مجبور به مشارکت و تقلا شده بودند. بارش افکار حاصل از بحث و گفتگو جنبه‌های گوناگون اهمیت بررسی همه‌جانبه ابعاد مختلف یک واقعه و یا موضوع را برای آنان مشخص کرد. بعضی نتایج به‌دست آمده برای آنان به واسطه اختلاف با برخی از نتایج سنتی درج شده در برخی از تألیفات به واسطه تلاش و کوشش شخصی برای به‌دست آوردن آن برای آنان حائز اهمیت بیشتری بود. حس کشف و یافتن که در گام‌های ابتدایی به آنان دست داده بود، باعث شد بحث‌های تئوری بعدی را با دقت و علاقه‌س بیشتری دنبال کنند.

این تجربه‌های عملی نشان می‌دهد که تا چه حد تغییر در بینش و نگرش مدرسان تاریخ می‌تواند در ارتقای سطح علاقه‌مندی تاریخ‌آموزان به تاریخ و افزایش توانایی‌های تحلیلی آن‌ها تأثیرگذار باشد؛ از این‌رو، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدرسان تاریخ و آموزش روش‌های جدید تدریس می‌تواند در تغییر بینش آنها و بهبود کیفیت آموزش تاریخ تأثیر مثبتی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تاریخ یکی از دروس مهم و پرکاربرد در زندگی بشری است. این درس از جمله دروسی است که در نظام‌های آموزشی سرتاسر دنیا تدریس می‌شود. پژوهش حاضر با بررسی مؤلفه‌های مهم در اذهان مدرسان تاریخ و اهمیت این رشته در نظام آموزشی کشور و جامعه به نتایج ذیل دست یافت که در ادامه خواهد آمد.

۱. دانش تاریخ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علوم حوزه انسانی نسبت به گذشته اهمیت و ارزش بیشتری پیدا کرده است، این اهمیت بیشتر به خاطر بُعد هویت‌ساز و فرهنگ‌ساز آن است.
۲. هرگونه تغییر در محتوا و شیوه تدریس رشته تاریخ در درجه اول منوط است به تغییر در بینش و نگرش مدرسان تاریخ و تا زمانی که دید این افراد نسبت به درس تاریخ تغییر پیدا نکند، سخن از تغییر محتوا، ساعات درس و روش تدریس بیهوده است.
۳. دبیران و استادان تاریخ در وهله اول و قبل از شروع درس بهتر است فلسفه مطالعه تاریخ را برای فراگیران توضیح و تشریح کنند. این فلسفه عبارت است از نقش درس تاریخ در شکل‌گیری شخصیت افراد. تاریخ فرهنگ‌ساز است و این فرهنگ می‌تواند امروزه با فرهنگ‌های دیگر تعامل و در برخی موارد معارضا داشته باشد. نقش تاریخ در حل منازعات بین‌المللی و این‌که می‌تواند به‌عنوان حافظ منافع ملی در نظر گرفته شود. با نگاه به گذشته برای عبور از مشکلات و معضلات امروزمین، تاریخ اگر به صورت تحلیلی مطالعه شود، می‌تواند چراغ راه آینده باشد. تاریخ منبع شناخت خود و جهان است. عدم دلدادگی به دنیا با مطالعه تاریخ دست‌یافتنی است. برآوردن حس کنجکاوی انسان و عبرت‌آموزی نیز با کمک تاریخ میسر می‌شود.
۴. بایسته است مدرسان تاریخ الگوهای جدید روش تدریس را فراگرفته، در پیاده‌سازی بیشتر و بهتر آن تلاش کنند.
۵. مدرسان تاریخ باید کوشش بیشتری نسبت به استفاده از ابزارهای گوناگون و فناوری‌های جدید به فراخور موضوعات مختلف اهتمام ورزند.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم. (۱۳۹۸). ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: پیام عدالت.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). مقدمه ابن‌خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. چ ۱۶. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن‌فندق، محمدبن حسین. (۱۳۸۷). تاریخ بیهق. چ ۲. تهران: چوگان.
- استنفورد، مایکل (۱۳۹۲). درآمدی بر تاریخ پژوهی. چ ۶. تهران: سمت و دانشگاه امام صادق (ع).
- اشرف، احمد. (۱۳۹۷). هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی و دو مقاله دیگر از: گرادو نیولی و شاپور شهبازی. ترجمه حمید احمدی. چ ۷. تهران: نی
- ایچ‌کار، لی. (۱۳۹۶). ترجمه حسن کامشاد. تهران: خوارزمی.
- بوث، آلن. (۱۳۹۶). آموزش تاریخ در دانشگاه. ترجمه محسن علوی پور. چ ۲. تهران: سمت.
- حسنی‌فرد، عبدالرحمن و عباس‌زاده مرزبالی، مجید. (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ملی ایران در فرایند تاریخی». جامعه‌پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱: ۳۳-۵۹.
- حضرتی، حسن. (۱۳۸۷). دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی. قم: بوستان کتاب.
- خاقانی شروانی. (۱۳۸۰). دیوان اشعار. به اهتمام جهانگیر منصور. چ ۳. تهران: نگاه.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (بی‌تا). المفردات. بغداد: مکتبه القادریه.
- رضوی، سیدابوالفضل. (۱۳۹۱). فلسفه انتقادی تاریخ. چ ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (۱۳۹۴). درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). تاریخ در ترازو. چ ۵. تهران: امیرکبیر.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۵۷). فلسفه تاریخ. چ ۱. تهران: حکمت.
- صدیقی، غلامحسین. (۱۳۷۲). جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری. تهران: پاژنگ.
- عوفی، سدیدالدین محمد. (۱۳۲۱ق). لب‌الالباب. به اهتمام ادوارد براون. لیدن: بریل.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۵). «تاریخ و سیاست ضرورت بازاندیشی نقش سیاست در تحولات آینده جامعه». قیسات. ۴۲: ۸۹-۱۰۸.

- کاتوزیان، همایون. (۱۴۰۱). تاریخ چیست؟ مجموعه مقالات، مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها. تهران: مرکز کبیری، افشار. (۱۳۸۹). بررسی تحولات تاریخی هویت ملی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۷). تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفوی. تهران: تمدن ایرانی.
- مجتهدی، کریم. (۱۳۸۸). فلسفه تاریخ. چ ۶. تهران: سروش.
- مکی، حسین. (۱۳۶۲). زندگی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار. تهران: امیرکبیر
- ملانی توانی، علیرضا. (۱۳۹۷). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. چ ۱۲. تهران: نی.
- نصار، ناصف. (۱۳۶۶). اندیشه واقع‌گرایی ابن‌خلدون. ترجمه یوسف رحیم‌لو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Christopher, W.B. (2019). "Why study history? An examination of undergraduate students' notions and perception about history". *History Encounters: A journal of history consciousness, historical cultures, and history education*. 6 (1): 71-54.
- Saixas, p. (2004). "The Legacy of the Past: The Role of History in the Formation of Identity". *International Journal of Historical Learning*. 1 (1): 1-15.
- Muir, R. (2011). History, futures, and Possibilities: Teaching History for a New Era. *History Education Review*, 12 (1), pp: 32-24